MEJDS. 2021; 11:87

Published online 2021 Sep. **Case Study**

Analyzing Cultural Rights' Status of Children with Disabilities Based on International and National Law: A Case Study

*Fasih Ramandi M[1]

Author Address
1. PhD in Jurisprudence and Private Law, Assistant Professor, Institute of Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences; Assistant Professor Institute of Culture, Art and Communication, Tehran, Iran.
***Corresponding author's email:** Fasih@ricac.ac.ir

Received: 2020 July 21; **Accepted:** 2020 October 24

Abstract

Background & Objectives: Cultural rights are a newly established field of legal studies; the relevant literature has been developed during the 1970s as a spectrum of globally accepted rights. Disabled individuals have been deprived of cultural rights regarding various opportunities. The right of education among the cultural rights dedicated to disabled individuals is a key right. This is because other rights, including participating in cultural life, enjoying cultural traditions, etc. will be realized if accurately executed. Concerning education rights for disabled children, the main international laws include the following: "disabled individuals rights convention" and "child rights' convention," and in Iran, "the rule of education promotion for children with disability" and "comprehensive rule of protecting disabled rights". This study aimed at assessing the feasibility of education rights for children with mental disabilities in Tehran City, Iran, based on the managers' and mentors' viewpoints engaged in 6 exceptional training centers.

Methods: This methodical, descriptive–analytical, and applied study was conducted in 2020. In this study, the researcher prepared a research–made checklist according to the most important law at the international level, namely the "Convention on the Rights of Persons with Disabilities" and the "Comprehensive Law for the Protection of the Rights of Persons with Disabilities" in Iranian law. The content validity of this scale was obtained using the opinions of experts in the field of disability law and exceptional education. Accordingly, the checklist was provided to them in several stages and its items were modified. Then, based on this checklist, the views of 12 managers and instructors of 6 exceptional primary and secondary education centers in Tehran City, Iran, on the status of students' enjoyment of educational rights were evaluated in a descriptive–analytical manner. Therefore, the required samples were selected by the purposive sampling method. Additionally, the study samples were considered purposively from the managers and instructors section of these centers and one manager and one instructor from each school. The reliability of the research tool remained similar in all places respecting the needs of children with disabilities on educational rights. Therefore, the research tool was reliable. In other words, the researcher believes that with this checklist, the conditions of children with disabilities benefiting from education rights can also be analyzed internationally.

Results: In this study, 7 dimensions and 30 components for the right to the education of children with mental disabilities were extracted. The 7 dimensions were public education; life skills training; the conditions of educational space for technical and vocational education; employing special education teachers; health education; related services, including individual training, transportation and incentive program, and evaluation system. In some components, like all students having public and transportation education, 100% of the study samples believed that it would be operational. In some components, like advising parents on language learning for students with disabilities, 66.7% of the research sample believed that the right to education would not be operational.

Conclusion: According to the research results, among the cultural rights assigned to disabled individuals, the right to education has a fundamental place. If the education of the disabled is properly achieved, it will be a desirable platform for the realization of their other rights.

Keywords: Cultural rights, Right of education, Disabled children, International and national law, Exceptional training center.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۴۰۰؛ (۱۱):۸۷.

انتشار برخط شهریور ۱۴۰۰ مطالعه موردی

تحلیل وضعیت حقوق فرهنگی کودکان دارای معلولیت براساس قوانین بین‌المللی و داخلی (مطالعهٔ موردی: حق آموزش کودکان با ناتوانی هوشی براساس دیدگاه مدیران و مربیان مراکز آموزش استثنائی شهر تهران)

*منصوره فصیح رامندی[1]

توضیحات نویسندگان

۱. دکترای فقه و حقوق خصوصی، پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه شهید بهشتی؛ استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** Fasih@ricac.ac.ir

تاریخ دریافت: ۳۱ تیر ۱۳۹۹؛ **تاریخ پذیرش:** ۳ آبان ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: در حوزهٔ معلولیت، مهم‌ترین قوانین موجود در سطح بین‌المللی شامل «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت»، «کنوانسیون حقوق کودک» و در نظام حقوقی ایران شامل «قانون بهبود آموزش برای افراد دارای کم‌توانی» و «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» هستند. هدف این مطالعه، بررسی میزان عملیاتی‌شدن حقوق آموزش کودکان با ناتوانی هوشی در شهر تهران باتوجه به دیدگاه مدیران و مربیان شش مرکز آموزش استثنایی بود.

روش‌بررسی: این پژوهش به‌لحاظ روش، توصیفی ـ تحلیلی بود که در سال ۱۳۹۹ انجام شد. در این پژوهش محقق باتوجه به مهم‌ترین قانون موجود در سطح بین‌المللی یعنی «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» و «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» در حقوق ایران و با بهره‌گیری از فن دلفی، چک‌لیست محقق‌ساخته‌ای را برای جمع‌آوری داده‌ها تهیه کرد. روایی محتوایی این چک‌لیست محقق‌ساخته، با استفاده از نظرات اساتید و صاحب‌نظران حوزهٔ حقوق معلولیت و آموزش‌وپرورش استثنایی به‌دست آمد. نمونه‌های پژوهش را مدیران و مربیان شش مرکز آموزش استثنایی مقاطع ابتدایی و متوسطهٔ شهر تهران تشکیل دادند که به‌شیوهٔ هدف‌مند انتخاب شدند. دربارهٔ پایایی ابزار تحقیق (چک‌لیست محقق‌ساخته) باید گفت نیازهای کودکان معلول به‌لحاظ حقوق آموزشی در همهٔ نقاط یکسان است و ازسویی چون این ابزار براساس قوانین موجود در حوزهٔ معلولیت، کودک و حقوق آموزش معلولان تهیه شد، پایا بود.

یافته‌ها: در این مطالعه، هفت بُعد و سی مؤلفه برای حق آموزش کودکان کم‌توان ذهنی استخراج شد. هفت بُعد عبارت بود از: آموزش همگانی؛ آموزش مهارت‌های زندگی؛ شرایط فضای آموزشی آموزش فنی و حرفه‌ای؛ به‌کارگیری معلمان ویژهٔ آموزش؛ آموزش‌های بهداشتی؛ خدمات مرتبط اعم‌از برنامهٔ آموزش فردی، ترابری و تشویقی؛ نظام ارزشیابی.

نتیجه‌گیری: از میان حقوق فرهنگی اختصاص‌یافته به معلولان، حق آموزش از جایگاه اساسی برخوردار است. درواقع تحقق بسیاری از حقوق معلولان در گروی امر آموزش است. اگر آموزش معلولان به‌نحو صحیح انجام شود، بستر مناسبی برای تحقق سایر حقوق آنان خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: حقوق فرهنگی، حق آموزش، کودکان معلول، قوانین بین‌المللی و داخلی، مراکز آموزش استثنایی.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار ـ غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

۱ مقدمه

معلولیت[1] ، به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، از ادوار گذشته تاکنون در جوامع وجود داشته است و از نظر شناخت موجودیت و روابط فی‌مابین اجتماعی نیز همیشه به‌منزلهٔ مشکلی اساسی مطرح بوده است (۱). سازمان جهانی بهداشت[2] در سال ۲۰۱۱ این تعریف را از معلولیت ارائه داد: معلولیت پدیده‌ای پیچیده، پویا، چندبُعدی و چالش‌برانگیز است و عبارتی کلی برای نشان‌دادن نقص عضو، محدودیت‌های فعالیتی و محدودیت‌های مشارکتی است که به جوانب منفی تعامل میان فرد (دارای شرایط سلامتی خاص) و عوامل زمینه‌ای مرتبط با آن فرد (عوامل محیطی و فردی) اشاره دارد (۲). در مقدمهٔ «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت»[3] آمده است که معلولیت «مفهومی در حال تغییر» است؛ اما این بیانیه تأکید می‌کند، معلولیت نتیجهٔ تعامل افراد دارای نقص عضو با موانع محیطی و نگرش نادرست به افراد معلول در جامعه است که مانع از مشارکت کامل و مؤثر این افراد در اجتماع، به‌صورت برابر با سایر افراد جامعه می‌شود. براساس تعریف این کنوانسیون، افراد دارای معلولیت شامل اشخاصی می‌شوند که دارای آسیب‌دیدگی‌های طولانی‌مدت جسمی، ذهنی، فکری یا حسی هستند و تعاملشان با موانع مختلف از نظر مشارکت کامل و مؤثر، براساس اصول مساوی با دیگران ممکن است مشکل‌آفرین باشد (۳).

امروزه از چالش‌های بسیار عمده دربرابر معلولیت، توجه به حقوق و نیازهای گروه‌های دارای معلولیت و به‌طور ویژه، حقوق فرهنگی برای آنان است. براساس مفاد اسناد بین‌المللی موجود، حقوق فرهنگی بشر مجموعهٔ گسترده‌ای از حقوق را در بر می‌گیرد؛ حق بر آموزش، حق شرکت در حیات فرهنگی اجتماع، حق بهره‌مندی از جریان آزاد اطلاعات و دسترسی به اطلاعات و حق بهره‌مندی افراد از حمایت درمقابل تمامی منافع معنوی و مادی ناشی‌از هر گونه اثر علمی، ادبی یا هنری که مصنف یا مخترع آن است و حق بر میراث فرهنگی، ازجمله حقوق فرهنگی است (۴).

در این میان، هدف از آموزش‌وپرورش (حق آموزش) افراد دارای معلولیت آن است که این افراد باید برای زندگی در متن جامعه آمادگی‌های لازم را داشته باشند؛ در این زمینه، حرکت دوسویه‌ای لازم است؛ از یک‌سو، آمادگی اجتماع و فراهم‌آوردن فرصت‌ها برای پذیرش افراد دارای معلولیت لازم است و از دیگرسو، کسب مهارت‌های فردی، اجتماعی و حرفه‌ای این قشر برای مشارکت در جامعه لازم است که در تحقق این امر مهم، آموزش‌وپرورش به‌عنوان حلقه‌ای برای اتصال فرد دارای معلولیت و جامعه، اهمیت اساسی دارد (۵).

آموزش ابزار قدرت‌مندی برای ارتقای توان‌مندی افراد دارای معلولیت است؛ ازطریق برنامه‌های آموزش رسمی و غیررسمی، آنان می‌توانند دانش و مهارت‌های لازم را برای انجام عملکردها، وظایف یا برخی از فعالیت‌های اقتصادی مؤثر در رشد و توسعهٔ فردی و اجتماعی به‌دست آورند (۶). درواقع تحقق بسیاری از حقوق افراد دارای معلولیت ازجمله اشتغال و دیگر حقوق فرهنگی (مانند مشارکت در زندگی فرهنگی و دسترسی به اطلاعات) در گروی تحقق امر آموزش است.

به‌تبعیت از رویکرد بین‌المللی به حقوق معلولان که جوانه‌های آن از دههٔ هفتاد میلادی شکل گرفت، تاکنون مطالعات بسیاری نیز در داخل کشور در حوزهٔ حقوق معلولان انجام شده است. وجه غالب مطالعات موجود، تمرکز بر کنوانسیون حقوق معلولان و قانون جامع حمایت از حقوق آنان در ایران بوده است. سوابق موجود این نکته را بیان می‌کنند که حقوق کودک معلول اولویت چندانی نداشته است و به‌صورت محدود بررسی شده است؛ برای مثال، اخوان تفتی در مطالعه‌ای دربارهٔ مرور چالش‌ها و ناهماهنگی‌های قانون حمایت از حقوق افراد با ناتوانی در اجرا و دستاوردهای آن در چند کشور، کارکرد برخی از کشورها ازجمله ایران را در زمینهٔ اجرا و پیشبرد این قانون مرور و مقایسه کرد. نتایج این مطالعه نشان داد که در پیمان‌نامهٔ جهانی حقوق افراد با ناتوانی، تاحدودی تمامی جنبه‌های انسانی و حقوقی مرتبط با این افراد به‌خوبی پوشش داده شده است و بر راهبردهای توسعهٔ پایدار، برابرسازی فرصت‌ها و رفع تبعیض از این افراد به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، پافشاری شده است؛ اما پیشبرد آن، با چالش‌های بسیاری روبه‌رو است (۷). ابراهیمی در پژوهش خود با بررسی قوانین آموزشی برای کودکان کم‌توان، به ارزیابی سیر تاریخی قانون‌گذاری برای کودکان دارای کم‌توانی پرداخت و اجزای قانون بهبود آموزش برای افراد دارای کم‌توانی را به‌طور دقیق مطالعه کرد (۸). نتایج پژوهش طباطبایی و نوری نشاط، در ارزیابی تعهدات جمهوری اسلامی ایران در زمینهٔ حقوق فرهنگی افراد معلول، این نکته را نشان می‌دهد که در زمینهٔ حق بر آموزش، قانون جامع حمایت از معلولان، حقوق ممتاز و نسبتاً جامعی را پیش‌بینی کرده است (۴). همچنین رضایی و السان در مطالعه‌ای با عنوان «حقوق آموزشی کودکان معلول در ایران؛ ضرورت همگامی با تحولات بین‌المللی»، به بررسی و مقایسهٔ حقوق داخلی ایران و حقوق بین‌المللی در این رابطه پرداختند (۹). در کنار این مطالعات، روند تاریخی قوانین مرتبط با وضعیت کودکان معلول در جهان، توسط کمالی و ایران در مروری بر حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت بررسی شد (۱۰).

بررسی مجموعهٔ مطالعات انجام‌شده در زمینهٔ حقوق کودکان معلول نشان می‌دهد که تاریخچهٔ قانون‌گذاری برای کودکان کم‌توان، به سال ۱۹۷۵ و تصویب قانون آموزش برای کودکان معلول باز می‌گردد؛ مطابق قانون، دولت باید آموزش مناسب رایگان را برای کودکان معلول فراهم کند؛ این مطلب به‌معنی دسترسی تمام کودکان معلول بین ۳تا۱۸ سال به آموزش ویژه و خدمات مرتبط و مناسب است که برآورندهٔ نیازهای منحصربه‌فرد آن‌ها برای اشتغال و زندگی مستقل، با هزینهٔ دولت و در محیط‌هایی با محدودیت کمتر است (۸). قوانین بین‌المللی مختلف دیگری در این زمینه به تصویب رسیده‌اند و تکامل یافته‌اند؛ ازجمله «کنوانسیون حقوق کودک» مصوب ۱۹۸۹ که به کودکان کم‌توان نیز توجه کرده است؛ «قانون بهبود آموزش برای افراد دارای کم‌توانی (IDEIA)» و «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» مصوب ۲۰۰۶ میلادی است که بخشی از این کنوانسیون‌ها و قوانین، به حقوق آموزش افراد دارای معلولیت می‌پردازد. گفتنی است در داخل

[1]. Disability

[2]. World Health Organization (WHO)

[3]. Convention on the Rights of Persons with Disabilities

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

ایران نیز «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» در سال ۱۳۸۵ هجری شمسی به تصویب رسید.

اطلاع و آگاهی از قوانین و مقررات مرتبط با منافع و مصالح معلولان، به والدین و صاحب‌نظران در این حوزه کمک می‌کند تا با مساعدت یکدیگر فرصت آموزش برابری را برای کودکان به‌وجود آورند و قانون نیز از آن حمایت می‌کند. در همین راستا ضروری است حق آموزش به‌عنوان یکی از حقوق فرهنگی بسیار بدیهی و نحوهٔ صحیح پیاده‌سازی آن با تمامی ابعاد و مؤلفه‌های لازم، واکاوی شود.

موضوع حقوق کودکان دارای ناتوانی و معلولیت ازجمله چالش‌های مدنظر در سال‌های اخیر بوده است. از سوی دیگر تثبیت حقوق فرهنگی به‌ویژه برای این قشر، ابهامات فراوانی دارد؛ بنابراین این مطالعه درصدد بود تا باتوجه به مهم‌ترین قوانین یعنی «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» و «کنوانسیون حقوق کودک» در سطح اسناد بین‌المللی و همچنین «قانون بهبود آموزش برای افراد دارای کم‌توانی» و «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» به‌عنوان قانون‌های داخلی در ایران در این حوزه، با طراحی چک‌لیستی محقق‌ساخته به تحلیل میزان عملیاتی‌شدن حقوق آموزش کودکان معلول کم‌توان ذهنی که در برخی مواقع کم‌توانی جسمی–حرکتی نیز دارند بپردازد. این بررسی در شهر تهران با توجه به دیدگاه دوازده نفر از مدیران و مربیان شش مرکز آموزش استثنایی مقاطع ابتدایی و متوسطه به‌عنوان افرادی که به‌طور مستقیم با حقوق و نیازهای آموزشی کودکان کم‌توان آشنا هستند، انجام شده است.

۲ روش‌بررسی

این مطالعه به‌لحاظ روش، توصیفی– تحلیلی و به‌لحاظ هدف، کاربردی بود که در سال ۱۳۹۹ انجام شد. در این پژوهش محقق باتوجه به مهم‌ترین قانون موجود در سطح بین‌المللی یعنی «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» و «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» در حقوق ایران و با بهره‌گیری از فن دلفی، چک‌لیست محقق‌ساخته‌ای تهیه کرد. روایی محتوایی این چک‌لیست محقق‌ساخته، با استفاده از نظرات اساتید و صاحب‌نظران حوزهٔ حقوق معلولیت و آموزش‌وپرورش استثنایی به‌دست آمد؛ به این ترتیب که چک‌لیست محقق‌ساخته در چندین مرحله در اختیار آن‌ها قرار گرفت و گویه‌هایش اصلاح شد. پس از آن، براساس این چک‌لیست، دیدگاه دوازده نفر از مدیران و مربیان شش مرکز آموزش استثنایی ابتدایی و متوسطه در شهر تهران دربارهٔ وضعیت بهره‌مندی دانش‌آموزان این مراکز از حقوق آموزشی، به‌روش توصیفی– تحلیلی ارزیابی شد. برای رعایت اختصار، چک‌لیست در قسمت یافته‌ها ارائه می‌شود.

در این مطالعه برای انتخاب نمونه‌ها یعنی مراکز آموزش استثنایی شهر تهران، از نظر صاحب‌نظران حوزهٔ آموزش‌وپرورش استثنایی در شهر تهران استفاده شد؛ بنابراین نمونه‌ها به‌شیوهٔ نمونه‌گیری هدف‌مند انتخاب شدند. همچنین نمونه‌ها در بخش مدیران و مربیان این مراکز به‌صورت هدف‌مند و از هر مدرسه یک مدیر و یک مربی در نظر گرفته شد. دربارهٔ پایایی باید گفت، به‌دلیل ماهیت وجود برداشت‌های تأویلی و تفسیری رفتار انسان و وجود برداشت‌های متفاوت و داشتن نظرگاه‌های مختلف از سوی مشاهده‌گران درجهت بررسی و تفسیر مشاهدات، دستیابی به پایایی در مطالعهٔ کیفی (مانند مطالعهٔ حاضر)، کار آسانی نیست (۱۱). بدین‌ترتیب معیار پایایی در قابلیت کنترل، قابلیت اعتماد به داده‌ها، روش اجرای تحقیق و باتوجه به خاص‌بودن هریک از روش‌های تحقیق کیفی، سنجیده شد (۱۲). در این مطالعه آنچه مهم بود، پایایی ابزار تحقیق (چک‌لیست محقق‌ساخته) است که باید گفت نیازهای کودکان معلول به‌لحاظ حقوق آموزشی، در همهٔ نقاط یکسان است و ازسویی این چک‌لیست محقق‌ساخته براساس قوانین موجود در حوزهٔ معلولیت، کودک و حقوق آموزش معلولان تهیه شد؛ بنابراین ابزار تحقیق پایا است؛ به تعبیر دیگر محقق اعتقاد دارد با این چک‌لیست می‌توان وضعیت بهره‌مندی کودکان معلول را از حقوق آموزش در سایر کشورهای جهان نیز تحلیل کرد.

در انجام این پژوهش ملاحظات اخلاقی اعم از لحاظ‌کردن مباحث اخلاقی در تنظیم پرسشنامه، بررسی پرسشنامه از سوی حراست وزارت آموزش‌وپرورش و سازمان آموزش‌وپرورش استثنایی و تأیید آن و لحاظ‌کردن امانتداری در تکمیل پرسشنامه رعایت شد.

۳ یافته‌ها

هدف این مطالعه بررسی وضعیت کودکان دارای معلولیت کم‌توان ذهنی بود که در برخی مواقع معلولیت جسمی–حرکتی نیز داشتند. این کودکان در شش مرکز آموزش استثنایی شهر تهران در مقاطع ابتدایی و متوسطه تحصیل کردند. به‌منظور تحلیل وضعیت حق بر آموزش کودکان کم‌توان ذهنی به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق فرهنگی، از چک‌لیست محقق‌ساخته به‌همراه بهره‌گیری از نظرات مدیران و مربیان مراکز مذکور استفاده شد. پژوهشگر برای تهیهٔ چک‌لیست محقق‌ساخته، باتوجه به مواد مطرح در مادهٔ ۲۴ «کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت» و همچنین با توجه به «کنوانسیون حقوق کودک»، «قانون بهبود آموزش برای افراد دارای کم‌توانی» و «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان»، وضعیت مطلوب در بهره‌مندی کودکان معلول (کم‌توان ذهنی) از حق آموزش را در قالب هفت بُعد و سی مؤلفه و با بهره‌مندی از نظر صاحب‌نظران، ارائه داد. هفت بُعد عبارت بود از: آموزش همگانی؛ آموزش مهارت‌های زندگی؛ شرایط فضای آموزشی آموزش فنی و حرفه‌ای؛ به‌کارگیری معلمان ویژهٔ آموزش؛ آموزش‌های بهداشتی؛ خدمات مرتبط اعم‌از برنامهٔ آموزش فردی، ترابری و تشویقی؛ نظام ارزشیابی. پس از آن باتوجه به چک‌لیست، پژوهشگر نظر دوازده نفر از مدیران و مربیان مراکز آموزش استثنایی در شهر تهران را در دو مقطع ابتدایی و متوسطه، دربارهٔ وضعیت حاکم بر حقوق مذکور جویا شد. این مطالعه نتایج زیر را نشان داد.

بُعد آموزش همگانی

۱۰۰ درصد دانش‌آموزان معلول، از آموزش دولتی برخوردار هستند و نظام آموزشی از ابزار مناسب برای شناسایی این دانش‌آموزان استفاده می‌کند. ۶۶/۷ درصد از نمونه‌ها اعتقاد داشتند که آموزش استثنایی به دانش‌آموزان نیازمند کمک مالی می‌کند و ۳۳/۳ درصد از نمونه‌ها معتقد بودند که تاحدودی کمک می‌شود.

بُعد آموزش مهارت‌های زندگی

۶۶/۷ درصد از نمونه‌ها اعتقاد داشتند که آموزش مهارت‌های ارتباطی

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

(بین‌فردی) کاملاً به دانش‌آموزان معلول ارائه می‌شود. ۳۳/۳درصد از نمونه‌ها معتقد بودند، این آموزش‌ها تاحدودی ارائه می‌شود. ۳۳/۳درصد از نمونه‌ها اذعان داشتند که ارائهٔ مهارت‌های همدلی به دانش‌آموزان معلول صورت می‌گیرد. ۳۳/۳درصد از نمونه‌ها نیز معتقد بودند، تاحدودی این مهارت‌ها ارائه می‌شود و سایر نمونه‌ها (۳۳/۳۳ درصد) عنوان کردند که مهارت‌های همدلی ارائه نمی‌شود. در رابطه با مهارت‌های تصمیم‌گیری، ۳۳/۳درصد از نمونه‌ها معتقد بودند، ارائهٔ این مهارت‌ها به دانش‌آموزان معلول به‌طور کامل صورت می‌گیرد و ۶۶/۷درصد اعتقاد داشتند، تاحدودی ارائه می‌شود. در ارتباط با مهارت‌های حل مسئله نیز ۶۶/۷درصد بیان کردند که این مهارت‌ها تاحدودی آموزش داده می‌شود و دیگران (۳۳/۳۳ درصد) اذعان داشتند که حل مسئله، آموزش داده نمی‌شود. دربارهٔ فراهم‌کردن زمینه برای حضور دانش‌آموزان معلول در اجتماع، ۱۰۰ درصد نمونه‌ها بیان کردند که این زمینه‌ها تاحدودی توسط نظام آموزش استثنایی فراهم شده است.

بُعد شرایط فضای آموزشی

۱۰۰درصد مدیران و مربیان مراکز آموزشی مطالعه‌شده معتقد بودند که فضای آموزشی به‌لحاظ شرایطی نظیر نور، وضعیت آکوستیک، ایمنی و... مناسب‌سازی شده است.

بُعد زبان‌آموزی و آموزش‌های فرهنگی

۳۳/۳درصد از نمونه‌ها معتقد بودند، به خانواده‌ها مشاوره درخصوص زبان‌آموزی دانش‌آموزان معلول ارائه می‌شود و ۶۶/۷درصد اعتقاد داشتند، خدمات مشاوره‌ای در این باره ارائه نمی‌شود. ۶۶/۷درصد از نمونه‌ها اذعان کردند که در نظام آموزش استثنایی، دانش‌آموزان با فرهنگ و آداب و رسوم و ارزش‌های جامعهٔ ایرانی آشنا می‌شوند و ۳۳/۳درصد معتقد بودند که تاحدودی آشنا می‌شوند. ۱۰۰ درصد نمونه‌ها نیز عنوان کردند که نظام آموزش استثنایی، در راستای آموزش زبان مادری به دانش‌آموزان معلول، تلاش جدی کرده است. همچنین ۶۶/۷درصد از نمونه‌ها اعتقاد داشتند، نظام آموزش استثنایی، آموزش‌های لازم را در ارتباط با احترام به محیط طبیعی به دانش‌آموزان معلول ارائه می‌دهد و ۳۳/۳درصد معتقد بودند، ارائهٔ این آموزش‌ها تاحدودی انجام می‌شود.

بُعد آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای

۳۳/۳درصد از نمونه‌ها معتقد بودند که در نظام آموزش استثنایی، مهارت‌های هنری و توانایی‌های فنی در دانش‌آموزان معلول توسعه می‌یابد و ۶۶/۷درصد اذعان کردند که در این نظام، به آموزش مهارت‌های مذکور تاحدودی توجه می‌شود. ۶۶/۷درصد از نمونه‌ها بیان کردند که نظام آموزش استثنایی، زمینهٔ لازم را برای آشنایی دانش‌آموزان معلول با مشاغل مختلف فراهم کرده است و ۳۳/۳درصد نیز عنوان کردند، این زمینه تاحدودی فراهم شده است.

بُعد به‌کارگیری معلمان ویژهٔ آموزش

۶۶/۷درصد از نمونه‌ها بیان کردند که نظام آموزش استثنایی، معلمان دارای معلولیت را که شایستگی کافی دارند، در مدرسه استخدام کرده است. ۳۳/۳درصد نیز بیان کردند که این زمینه تاحدودی فراهم شده است. ۶۶/۷درصد از نمونه‌ها معتقد بودند، در نظام آموزش استثنایی، زمینهٔ آموزش ضمن خدمت معلمان (آموزش شیوه‌های تقویتی و جایگزین، روش‌ها و قالب‌های ارتباطاتی، تکنیک‌های آموزشی و...) و آموزش ضمن خدمت سایر کارکنان مدرسه فراهم شده است. ۳۳/۳درصد نیز بیان کردند که این زمینه تاحدودی فراهم شده است.

بُعد آموزش‌های بهداشتی

۶۶/۷درصد از نمونه‌ها معتقد بودند که نظام آموزش استثنایی، آموزش‌های بهداشتی و مراقبت‌های پیشگیرانه را به دانش‌آموزان معلول و والدین آن‌ها آموزش می‌دهد. ۳۳/۳درصد نیز بیان کردند که تاحدودی این آموزش‌ها صورت می‌گیرد. ۳۳/۳درصد از نمونه‌ها عنوان کردند که دربرابر خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا استثمار ازجمله سوءاستفادهٔ جنسی در زمانی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، آموزش‌های لازم توسط نظام آموزش استثنایی ارائه می‌شود؛ همچنین ۶۶/۷درصد از نمونه‌ها اعتقاد داشتند، تاحدودی این آموزش‌ها صورت می‌گیرد. ۶۶/۷درصد از نمونه‌ها عنوان کردند که نظام آموزش استثنایی، برای دانش‌آموزان معلول زمینهٔ توان‌بخشی و مشاوره‌های روان‌شناختی خارج از ساعت مدرسه را فراهم آورده است و ۳۳/۳درصد معتقد بودند، تاحدودی این زمینه‌ها فراهم شده است.

در بُعد خدمات مرتبط (برنامهٔ آموزش فردی، ترابری و تشویقی)

۱۰۰درصد نمونه‌ها بیان کردند که نظام آموزش استثنایی، امکان برنامه‌ریزی آموزش فردی به دانش‌آموزان معلول را فراهم آورده است. ۳۳/۳درصد از نمونه‌ها اذعان داشتند که برنامهٔ آموزش فردی دانش‌آموزان، به‌طور مستمر در نظام آموزشی بازبینی می‌شود و ۶۶/۷درصد معتقد بودند، بازبینی این برنامه‌ها تاحدودی صورت می‌گیرد. ۶۶/۷درصد از نمونه‌ها عنوان کردند که والدین از برنامهٔ آموزش فردی دانش‌آموزان معلول، اهداف و زمان آن آگاهی پیدا می‌کنند و ۳۳/۳درصد اعتقاد داشتند، والدین تاحدودی در جریان قرار می‌گیرند. در رابطه با فراهم‌کردن زمینهٔ تصمیم‌گیری مشارکتی والدین و مربیان در تدوین برنامهٔ آموزش فردی برای دانش‌آموزان معلول، ۳۳/۳درصد از نمونه‌ها معتقد بودند، این زمینه فراهم است. ۳۳/۳درصد اعتقاد داشتند، تاحدودی این زمینه فراهم است. ۳۳/۳درصد نیز معتقد بودند، این زمینه در نظام آموزش استثنایی فراهم نیست. ۳۳/۳درصد از نمونه‌ها عنوان کردند که مدرسه برنامه‌های تشویقی لازم را برای کاهش غیبت دانش‌آموزان معلول اجرا می‌کند و ۶۶/۷درصد از نمونه‌ها اعتقاد داشتند، تاحدودی فراهم می‌شود. ۱۰۰درصد نمونه‌ها بیان کردند که خدمات ترابری در اختیار دانش‌آموزان معلول قرار می‌گیرد.

در بُعد نظام ارزشیابی

۶۶/۷درصد از نمونه‌ها عنوان کردند که نظام آموزش استثنایی، آزمون‌های استاندارد برای ارزیابی دانش‌آموزان کم‌توان طراحی کرده است و ۳۳/۳درصد از نمونه‌ها معتقد بودند، تاحدودی این آزمون‌های استاندارد طراحی شده است. ۳۳/۳درصد از نمونه‌ها بیان کردند، نظام آموزش استثنایی افراد متخصص و دوره‌دیده‌ای را برای اجرای آزمون‌های ارزشیابی، تربیت کرده است و از آن‌ها استفاده می‌کند و

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

۶۶/۷درصد اعتقاد داشتند، تاحدودی این افراد تربیت شده‌اند و از آن‌ها استفاده می‌شود.

تجزیه‌وتحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از چک‌لیست محقق‌ساخته نشان می‌دهد که به‌لحاظ حقوق آموزش، مدیران و مربیان شش مدرسهٔ استثنایی در شهر تهران، در برخی مؤلفه‌ها مانند برخورداری همهٔ دانش‌آموزان از آموزش دولتی و ترابری، ۱۰۰ درصد وضعیت را مطلوب می‌دانند. در برخی مؤلفه‌ها مانند فراهم‌کردن زمینه برای حضور دانش‌آموزان معلول در اجتماع، ۱۰۰ درصد نمونه‌ها بیان کردند که این زمینه‌ها تاحدودی توسط نظام آموزش استثنایی فراهم شده است. در برخی از مؤلفه‌ها مانند ارائهٔ مشاوره به والدین درخصوص زبان‌آموزی دانش‌آموزان معلول، ۶۶/۷درصد از نمونه‌ها معتقد بودند که حق آموزش مربوط، عملیاتی نمی‌شود.

در ادامه با استفاده از چک‌لیست محقق‌ساخته، وضعیت کودکان معلولی که در شش مرکز آموزش استثنایی شهر تهران در مقاطع ابتدایی و متوسطه تحصیل کردند، از لحاظ برخورداری از حق آموزش از دید دوازده نفر از مدیران و مربیان این مراکز بررسی شد. نتیجهٔ این بررسی ذیل چک‌لیست محقق‌ساخته، در جدول ۱ ارائه می‌شود. لازم به ذکر است که درصدهای ارائه‌شده براساس میزان تأیید و رضایت‌مندی مدیران ومربیان مراکز مدنظر، از ۳۳درصد تا ۱۰۰ درصد در نظر گرفته شد.

جدول ۱. وضعیت کودکان معلول شش مرکز آموزش استثنایی در شهر تهران به‌لحاظ برخورداری از حق آموزش باتوجه به نظر مدیران و مربیان این مراکز و به‌کمک چک‌لیست محقق‌ساخته براساس قوانین بین‌المللی و داخلی ایران

ابعاد مختلف حق آموزش کودکان معلول (کم‌توان)	ردیف	مؤلفه‌های هر بُعد	وضعیت برخورداری (درصد)		
			بلی	تاحدودی	خیر
آموزش همگانی	۱	آیا باتوجه به قوانین، دانش‌آموزان معلول در مقاطع ابتدایی و متوسطه از آموزش رایگان دولتی برخوردار هستند؟	۱۰۰ درصد		
	۲	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، به دانش‌آموزان معلول نیازمند، کمک مالی ارائه می‌دهد؟		۶۶/۷درصد	
	۳	آیا باتوجه به قوانین، شناسایی کودکان معلول به‌منظور آموزش، توسط نظام آموزش‌وپرورش استثنایی صورت می‌پذیرد؟	۱۰۰ درصد		
	۴	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، از ابزار و روش‌های مناسب برای شناسایی دانش‌آموزان معلول و نوع معلولیت آن‌ها استفاده می‌کند؟	۱۰۰ درصد		
آموزش مهارت‌های زندگی	۵	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، زمینهٔ آموزش مهارت‌های ارتباطی (ارتباط بین‌فردی) را در دانش‌آموزان معلول فراهم آورده است؟	۶۶/۷درصد	۳۳/۳درصد	
	۶	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، زمینهٔ آموزش مهارت‌های همدلی با دیگران را در دانش‌آموزان معلول فراهم آورده است؟	۳۳/۳درصد	۳۳/۳درصد	۳۳/۳درصد
	۷	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، زمینهٔ آموزش مهارت‌های تصمیم‌گیری را در دانش‌آموزان معلول فراهم آورده است؟	۳۳/۳درصد	۶۶/۷درصد	
	۸	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، زمینهٔ آموزش مهارت‌های حل‌مسئله را در دانش‌آموزان معلول فراهم آورده است؟		۶۶/۷درصد	۳۳/۳درصد
	۹	آیا باتوجه به قوانین، مدرسه زمینهٔ حضور دانش‌آموزان معلول را در اجتماع فراهم کرده است؟		۱۰۰ درصد	
	۱۰	آیا باتوجه به قوانین، فضای آموزشی متناسب با ویژگی‌های دانش‌آموزان معلول، به‌لحاظ برخورداری از شرایطی نظیر نور، وضعیت آکوستیک، ایمنی و...، مناسب‌سازی شده است؟	۱۰۰ درصد		

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

	۱۱	آیا باتوجه به قوانین، در مدرسه انجمنی برای مشاورهٔ خانواده در زمینهٔ زبان‌آموزی دانش‌آموزان معلول وجود دارد؟	۳۳/۳درصد		۶۶/۷درصد
	۱۲	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، دانش‌آموزان را با آداب و رسوم، فرهنگ و ارزش‌های جامعهٔ ایرانی آشنا می‌کند؟	۶۶/۷درصد	۳۳/۳درصد	
	۱۳	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، در راستای آموزش زبان مادری به دانش‌آموزان معلول تلاش جدی دارد؟	۱۰۰درصد		
	۱۴	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، آموزش‌های لازم را در ارتباط با احترام به محیط طبیعی به دانش‌آموزان معلول ارائه می‌دهد؟	۶۶/۷درصد	۳۳/۳درصد	
شرایط فضای آموزشی آموزش فنی و حرفه‌ای	۱۵	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، زمینهٔ لازم را برای توسعهٔ ظرفیت‌های هنری در دانش‌آموزان فراهم کرده است؟	۳۳/۳درصد	۶۶/۷درصد	
	۱۶	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، زمینهٔ لازم را برای توسعهٔ توانایی‌های فنی در دانش‌آموزان فراهم کرده است؟	۳۳/۳درصد	۶۶/۷درصد	
	۱۷	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، زمینهٔ لازم را برای آشنایی دانش‌آموزان معلول با مشاغل مختلف فراهم کرده است؟	۶۶/۷درصد	۳۳/۳درصد	
به‌کارگیری معلمان ویژهٔ آموزش	۱۸	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، معلمان دارای معلولیت را که شایستگی کافی دارند، در مدرسه استخدام کرده است؟	۶۶/۷درصد	۳۳/۳درصد	
	۱۹	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، زمینهٔ آموزش ضمن خدمت معلمان (آموزش شیوه‌های تقویتی و جایگزین، روش‌ها و قالب‌های ارتباطاتی، تکنیک‌های آموزشی و...) و آموزش ضمن خدمت سایر کارکنان مدرسه را فراهم کرده است؟	۶۶/۷درصد	۳۳/۳درصد	
آموزش‌های بهداشتی	۲۰	آیا مدرسه باتوجه به قوانین، آموزش‌های بهداشتی و مراقبت‌های پیشگیرانه را به دانش‌آموزان معلول و والدین آن‌ها آموزش می‌دهد؟	۶۶/۷درصد	۳۳/۳درصد	
	۲۱	آیا مدرسه باتوجه به قوانین، دربرابر خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا استثمار ازجمله سوءاستفادهٔ جنسی در زمانی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، آموزش‌های بهداشتی لازم را ارائه می‌دهد؟	۳۳/۳درصد	۶۶/۷درصد	
	۲۲	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، برای دانش‌آموزان زمینهٔ توان‌بخشی و مشاوره‌های روان‌شناختی خارج از ساعت مدرسه را فراهم آورده است؟	۶۶/۷درصد	۳۳/۳درصد	
خدمات مرتبط (برنامهٔ آموزش فردی، ترابری و	۲۳	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، امکان برنامه‌ریزی آموزش فردی را به دانش‌آموزان معلول فراهم آورده است؟		۱۰۰درصد	

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

تشویقی)	۲۴	آیا مدرسه باتوجه به قوانین، برنامهٔ آموزش فردی دانش‌آموزان را به‌طور مستمر بازبینی می‌کند؟	۳۳/۳درصد	۶۶/۷درصد	
	۲۵	آیا باتوجه به قوانین، والدین از برنامهٔ آموزش فردی دانش‌آموزان معلول، اهداف و زمان آن آگاهی پیدا می‌کنند؟	۶۶/۷درصد	۳۳/۳درصد	
	۲۶	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، زمینهٔ تصمیم‌گیری مشارکتی والدین و مربیان را در تدوین برنامهٔ آموزش فردی برای دانش‌آموزان معلول فراهم کرده است؟	۳۳/۳درصد	۳۳/۳درصد	۳۳/۳درصد
	۲۷	آیا مدرسه باتوجه به قوانین، برای تشویق حضور مرتب دانش‌آموزان معلول در مدرسه و کاهش غیبت‌ها، اقدامات مؤثری انجام می‌دهد؟	۳۳/۳درصد	۶۶/۷درصد	
	۲۸	آیا مدرسه باتوجه به قوانین، خدمات ترابری در اختیار دانش‌آموزان معلول قرار می‌دهد؟	۱۰۰درصد		
نظام ارزشیابی	۲۹	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، آزمون‌های استاندارد برای ارزیابی دانش‌آموزان کم‌توان طراحی کرده است؟	۶۶/۷درصد	۳۳/۳درصد	
	۳۰	آیا نظام آموزش استثنایی باتوجه به قوانین، افراد متخصص و دوره‌دیده برای اجرای آزمون‌های ارزشیابی، تربیت کرده و از آن‌ها استفاده می‌کند؟	۳۳/۳درصد	۶۶/۷درصد	

٤ بحث

آموزش، ابزار رشد و شکوفایی جسم، روان و شخصیت انسان است و فرایندی است که به تعبیر یونسکو، طی آن چهار نوع یادگیری حاصل می‌شود: یادگیری برای زندگی‌کردن با یکدیگر؛ یادگیری برای دانستن؛ یادگیری برای انجام‌دادن امور؛ یادگیری برای بودن (۱۳)؛ ازاین‌رو، حق آموزش گاهی با این توجیه که شکوفایی آزادی و خودمختاری افراد و تحقق حقوق مدنی و سیاسی به آن وابسته است و شرط اساسی و ضروری برای تحقق حقوق مذکور است و همچنین گاهی با این استدلال که یکی از حداقل‌های رفاهی افراد و از شرایط اجتناب‌ناپذیر برای زندگی توأم با کرامت انسان است و تحقق آن فقط از مجرای دولت امکان دارد، در زمرهٔ حقوق بشر موضوعه قرار گرفته است و در اسناد بین‌المللی گوناگونی در سطح جهانی و منطقه‌ای شناسایی شده است (۱۴).

شاید علت عمدهٔ این اهتمام را بتوان در نقش آموزش به‌عنوان ابزاری برای ارتقای سطح زندگی مردم جست‌وجو کرد. با این وصف گزاف نیست اگر بهبود کیفیت نظام‌های آموزشی را معادل ارتقای کیفیت حیات و تمدن انسانی در همهٔ ابعاد قلمداد کنیم؛ همچنین از سرمایه‌گذاری درجهت دستیابی به سیاست‌ها، اصول و روش‌های مناسب در این عرصه به‌عنوان سیاست ضروری‌تر و مدبرانه‌تر هر جامعهٔ بشری یاد کنیم؛ چراکه حق مذکور موجبات دسترسی افراد را به حق باسوادشدن، دانستن و حق تربیت‌شدن پدید می‌آورد (۱۵)؛ البته نباید از نظر دور داشت که آموزش زمانی می‌تواند در بزرگسالی تأثیرهای پایدار و کارآمد داشته باشد که از همان کودکی به‌صورت فرایندی و با جدیت دنبال شود؛ بنابراین آموزش کودکان از اهمیت بسزایی درمقایسه با آموزش بزرگسالان برخوردار است؛ چنانکه کمیتهٔ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از آن به «سرمایه‌گذاری» یاد کرده است (بند ۱ نظریهٔ تفسیری شمارهٔ ۱۳ «۱۹۹۹» کمیتهٔ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دربارهٔ حق آموزش)؛ بنابراین مانند تمام کودکان عادی، حق آموزش و تحصیل از حقوقی است که باید برای کودکان معلول در نظر گرفته شود و آموزش براساس نیازها و میزان توانایی کودک معلول صورت گیرد (۱۶).

براساس یکی از رویکردهای نوین توان‌بخشی معلولان باعنوان «توان‌بخشی جامعه‌محور»، آموزش در کنار سلامت، اشتغال، برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی و حمایت اجتماعی از اصول اولیه و اساسی در توان‌مندسازی این افراد است (۴). بی‌شک آموزش‌وپرورش کودکان دارای معلولیت از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ زیرا این بخش از حیات فرهنگی آنان نقش بسیار مهمی در توان‌مندشدن، اشتغال و کشف استعداد و توانایی‌های آنان دارد. درواقع هدف مهم آموزش‌وپرورش کودکان معلول، مسلط‌کردن آن‌ها بر محیط پیرامونشان است. این مهم ازطریق حق دسترسی به تحصیل بدون تبعیض، بهره‌مندی رایگان از تحصیل، رفتار با شئونات انسانی با کودکان معلول در دوران تحصیل، تعهد درقبال رشد و آمادگی آنان درجهت بازگشت به جامعه برای زندگی مسئولانه مقدور می‌شود.

بخشی از تعهدات دولت درقبال تحقق این حق فرهنگی برای افراد معلول، به‌موجب قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (در تاریخ ۱۳آذر۱۳۹۷) و تعهد تفصیلی ایران به پایبندی به این کنوانسیون شکل گرفته است. مادهٔ ۲۴ کنوانسیون به موضوع آموزش

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

می‌پردازد. ابتدای این ماده، دولت‌های عضو را متوجه مسئلهٔ تحقق این حق، بدون تبعیض و برمبنای فرصت برابر کرده است و بیان نموده است که هریک از دولت‌های عضو باید بتوانند نظام آموزشی فراگیری را در تمامی سطوح و به‌صورت آموزش مادام‌العمر برای معلولان تضمین کنند؛ البته بندهایی را به‌عنوان اجزای اصلی این نظام آموزشی مطرح کرده است؛ ازجمله به توسعهٔ کامل توانایی‌های انسان و حس منزلت و خودارزشی و تحکیم احترام به حقوق بشر، آزادی‌های بنیادین و تنوع انسانی و توسعهٔ شخصیت، استعداد و خلاقیت توأم با توانایی‌های جسمی و ذهنی افراد معلول تا نهایت توان‌مندی‌های آنان و توان‌مندکردن افراد معلول به‌منظور مشارکت مؤثر آن‌ها در جامعهٔ آزاد اشاره می‌کند. جدا از این تعهد بین‌المللی، در نظام حقوقی ایران نیز تضمین‌هایی برای احقاق این حق کودکان معلول در نظر گرفته شده است؛ به‌عنوان مثال، اصل ۳۰ قانون اساسی بیان می‌کند، دولت موظف است وسایل آموزش‌وپرورش رایگان را برای همهٔ ملت تا پایان دورهٔ متوسطه فراهم کند. در این اصل، همهٔ ملت صاحبان حق در دسترسی به آموزش‌وپرورش تلقی شده‌اند و هیچ‌گونه قید خاصی برای محدودکردن افراد آورده نشده است. با درنظرگرفتن روح قانون اساسی و اصل برابری همه در پیشگاه قانون (اصول ۱۹ و ۲۰)، معلولان اعم‌از کودک یا بزرگسال نباید با مانعی در بهره‌مندی از حقوق فرهنگی خود، به‌ویژه حق بهره‌مندی از آموزش‌وپرورش روبه‌رو شوند و قوانین عادی باید به‌گونه‌ای تسهیل‌کنندهٔ دستیابی به این حقوق باشد. این اصول فراگیر، تمام محدودیت‌های نامعقول را از پیش پای ملت در برخورداری از حقوق و آزادی‌ها برداشته است و راه را برای هرگونه توجیه تبعیض‌آمیزی بسته است؛ بنابراین هیچ محدودیت قانونی برای آموزش‌وپرورش از نظر سن، جنس، مرام، مسلک یا عقیدهٔ دینی یا مذهبی وجود ندارد (۹).

مادهٔ ۱ آئین‌نامهٔ اجرایی مادهٔ هشت مصوب هیئت وزیران مفاهیم موجود در مادهٔ هشت را به‌شرح زیر تبیین کرده است.

۱. معلول نیازمند واجد شرایط، معلولی است که نیازمندبودن وی به تأیید واحدهای مربوط در سازمان بهزیستی کشور رسیده باشد (بند پ)؛

۲. منظور از آموزش رایگان، معافیت معلول از پرداخت هزینه‌های آموزش مربوط است. «آموزش» تمام مقاطع مختلف تحصیلی را مانند مهدکودک (تا قبل از سن ورود به دبستان)، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، پیش‌دانشگاهی، عالی (دانشگاهی)، تخصصی و تکمیلی و آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای شامل می‌شود (بندهای ت و ث)؛

۳. واحدهای آموزشی تحت شمول آموزشی رایگان شامل کل واحدهای آموزشی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش‌وپرورش، سازمان بهزیستی کشور، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، دانشگاه جامع علمی‌کاربردی، واحدهای آموزشی سایر وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی می‌شود (بند ج مادهٔ ۱ آیین‌نامهٔ اجرایی مادهٔ هشت).

با دقت در تعاریف مذکور روشن می‌شود که درمقایسه با افراد عادی، معلولان در بهره‌گیری از آموزش رایگان و نیز درخصوص نوع واحدهای آموزشی از حقوق بیشتری برخوردار هستند (۹). همچنین مادهٔ ۱۰ موضوع کمک‌هزینه را برای آموزش و حرفه‌آموزی معلولان مطرح می‌کند. این ماده بیان می‌کند که میزان کمک‌هزینهٔ (یارانه) پرداختی سازمان بهزیستی کشور به مراکز غیردولتی (روزانه و شبانه‌روزی) بابت نگهداری، خدمات توان‌بخشی و آموزشی و حرفه‌آموزی معلولان همه‌ساله به‌طور مشترک توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت بازرگانی تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. نکتهٔ مثبت و ابتکاری قانون جامع، طرح مسئلهٔ مشارکت خانوادهٔ معلولان و همکاری بخش غیردولتی اعم‌از خصوصی، تعاونی و مؤسسات خیریه برای ارائهٔ خدمات حمایتی، آموزشی و حرفه‌آموزی معلولان است.

علاوه‌بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، آیین‌نامهٔ آموزش‌وپرورش تلفیقی فراگیر کودکان و دانش‌آموزان با نیازهای ویژه نیز دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. در مقدمهٔ این آیین‌نامه آمده است که ممکن است دانش‌آموزان یک مدرسه همانند افراد اجتماع در رنگ پوست، نژاد، زبان و خصوصیات جسمی با توانایی ذهنی متفاوت باشند؛ اما این تفاوت‌ها نباید موجب کنار گذاشته‌شدن آن‌ها از برنامه‌های آموزشی شود. مطابق تبصرهٔ یک مادهٔ این آیین‌نامه، دانش‌آموزان گروه‌های آسیب‌دیدهٔ بینایی، آسیب‌دیدهٔ شنوایی، آسیب‌دیدهٔ جسمی–حرکتی، دارای هوش مرزی (دیرآموز)، دانش‌آموزان با مشکلات ویژهٔ یادگیری و مشکلات رفتاری‌هیجانی (ضعیف تا متوسط) که توسط پایگاه سنجش سازمان آموزش‌وپرورش استثنایی شناسایی می‌شوند، تحت پوشش این روش قرار می‌گیرند (۴).

با تطبیق تعهدات داخلی و بین‌المللی ایران دربارهٔ حقوق آموزشی معلولان، این نتیجه حاصل می‌شود که قانون جامع و آیین‌نامه‌های اجرایی آن با آنکه چند سال قبل از الحاق به کنوانسیون معلولان به تصویب رسیده است، قسمت اعظم مندرجات کنوانسیون درخصوص آموزش را پوشش می‌دهد؛ حتی در برخی مواقع حقوق بیشتری را در نظر گرفته است؛ به‌طور مثال کنوانسیون آموزش رایگان را فقط برای مقاطع ابتدایی و متوسطه الزامی کرده است؛ ولی براساس قانون جامع همان‌گونه که اشاره شد، آموزش رایگان شامل مهدکودک، پیش‌دانشگاهی، عالی (دانشگاهی)، تخصصی و تکمیلی و آموزش مهارت‌های فنی‌وحرفه‌ای نیز می‌شود.

باوجود این در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران موضوعاتی وجود دارد که مسکوت مانده است و می‌توان به بندهای الف تا پ بند ۳ مادهٔ ۲۴ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت اشاره کرد؛ ازجمله موضوع تسهیل آموزش خط بریل و خط‌های جایگزین، تسهیل در یادگیری زبان اشاره و تضمین ارائهٔ آموزش به کودکان نابینا و ناشنوا با استفاده از زبان‌ها و شیوه‌های مناسب‌تر است. هرچند این موضوعات توسط بهزیستی و مراکز وابسته به آن پیگیری می‌شود، ضرورت دارد قوانین و مقررات خاصی وضع شود که تضمین‌کنندهٔ پایداری و تداوم آموزش‌های مذکور باشد (۱۷).

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت، از میان حقوق

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

فرهنگی اختصاص‌یافته به معلولان، حق آموزش از جایگاه اساسی برخوردار است. درواقع تحقق بسیاری از حقوق معلولان در گرو امر آموزش است؛ به‌صورتی‌که اگر آموزش معلولان به نحو صحیح انجام شود، بستر مناسبی برای تحقق سایر حقوق آنان خواهد بود. مقررات مندرج در قانون جامع و کنوانسیون حقوق معلولان درخصوص آموزش، مناسب و پیشرفته است.

۶ بیانیه‌ها

تأییدیهٔ اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله پژوهشی مستقل است. در انجام این پژوهش ملاحظات اخلاقی اعم از لحاظ‌کردن مباحث اخلاقی در تنظیم پرسشنامه، بررسی پرسشنامه از سوی حراست وزارت آموزش‌وپرورش و سازمان آموزش‌وپرورش استثنایی و تأیید آن و لحاظ‌کردن امانتداری در تکمیل پرسشنامه توسط مدیران و مربیان شش مرکز آموزش استثنایی مطالعه‌شده، رعایت شد.

رضایت برای انتشار

این امر غیر قابل اجرا است.

در دسترس بودن داده‌ها و مواد

نویسندهٔ مقاله به داده‌ها و منابع دسترسی دارد. پژوهشگران در این حوزه در صورت تمایل می‌توانند از طریق مکاتبه با نویسندهٔ مقالهٔ حاضر به این اطلاعات دسترسی پیدا کنند.

تزاحم منافع

نویسنده اعلام می‌کند هیچ‌گونه تضاد منافعی در این پژوهش وجود ندارد.

منابع مالی

تأمین منابع مالی انجام این پژوهش از هزینه‌های شخصی بوده است و توسط هیچ نهاد یا سازمان دولتی صورت نگرفته است.

مشارکت نویسندگان

این پژوهش به صورت انفرادی انجام شده است و تمام قسمت‌های آن توسط نویسندهٔ مقاله صورت گرفته است.

References

1. Cervone D, Pervin LA. Personality: theory and research. Kadivar P, Javadi MJ. (Persian translator). Tehran: Aeeizh; 1994.
2. World Health Organization. World report on disability. Geneva, Switzerland: World Health Organization; 2011.
3. Convention on the rights of persons with disabilities [Internet]; 2006. Available from: https://rc.majlis.ir/fa/law/show/134833
4. Tabatabaei SA, Nouri Neshat S. Obligations of the Islamic Republic of Iran regarding cultural rights of persons with disabilities. Private Law. 2010;6(15):105–31. [Persain] https://jolt.ut.ac.ir/article_24059_ffadb9cc73cd0978b21b8409db4ec62c.pdf
5. Fathi Sh. Chaleshha va rahkarha dar amoozesh maharathaye herfeie be danesh amoozan kam tavan zehni [Challenges and solutions in teaching vocational skills to intellectually retarded students]. Journal of Exceptional Education. 2008;(82):37–46. [Persian]
6. Noori Neshat S, Esmailian T, Pakzadmanesh P, Gojansamani B. Tashilgari ar tavanbakhshi mobtani bar jame [Facilitating community-based rehabilitation]. Tehran: Person Pub; 2009. [Persian]
7. Akhavan-Tafti M. Convention on the rights of persons with disabilities: a review of challenges and gaps in its implementation in some countries. Journal of Research in Rehabilitation Sciences. 2017;12(3):173–84. [Persian] http://jrrs.mui.ac.ir/index.php/jrrs/article/view/2691/2762
8. Ebrahimi AA. Ghavanin amoozeshi baraye koodakan daraye kam tavani [Educational rules for retarded children]. Journal of Exceptional Education. 2010;(101):34–45. [Persian]
9. Rezaee A, Elsan M. The right of children with disabilities to education in iran: necessity of accompaniment with international developments. Journal of Legal Research. 2008;7(13):221–36. [Persian] https://jlr.sdil.ac.ir/article_43942_a1e5d817c7fe8402c11089b76c072fbe.pdf
10. Kamali M, Iran F. The review on rights of disabled children. Social Welfare Quarterly. 2003;2(7):93–110. [Persian] http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2250-en.pdf
11. Hariri N. Osoul raveshhaye pazhouheshi keyfi [Principles and methods of qualitative research]. Tehran: Islamic Azad University Pub; 2006.
12. Flick U. An introduction to qualitative research. Jalili H. (Persian translator). Tehran: Ney Publication; 2015. [Persian]
13. Freeman M. A commentary on the United Nations convention on the rights of the child, article 3: the best interests of the child. Leiden: Nijhoff; 2007. https://doi.org/10.1163/ej.9789004148611.i-80
14. Tabatabaie Motameni M. Azadihaye omoumi va hoghough bashar [Public freedoms and human rights]. Tehran: Tehran University Pub; 2003. [Persian]
15. Hashemi SM. Constitutional rights of the Islamic Republic of Iran. 2nd ed. Tehran: Mizan Pub; 2019. [Persian]
16. Office of the High Commissioner for Human Rights. Ecomomic, social and cultural rights: handbook for national human rights institutions. Professional Training Series. Series No. 12. New York and Geneva: Unites Nations (UN); 2005. https://www.ohchr.org/Documents/Publications/training12en.pdf
17. Fasih Ramandi M. Cultural law in Iran and international documents. Tehran: Research Center for Culture, Art and Communications Pub; 2015. [Persian]

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]